

تعیین میزان اثربخشی آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر درک مطلب و نوع راهبردهای یادگیری مورد استفاده زبان آموزان

وحیده سادات واحدی^۱، ملیحه ابراهیمی^۲

^۱ گروه زبان انگلیسی، واحد قاینات، دانشگاه آزاد اسلامی، قاینات، ایران (نویسنده مسئول) Vahedi2010@yahoo.com

^۲ گروه آموزش زبان انگلیسی، آموزش و پرورش

چکیده: پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان اثربخشی آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر درک مطلب و نوع راهبردهای یادگیری مورد استفاده توسط زبان‌آموزان ایرانی انجام شد. این پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی و با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۴۰ دانشجو بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل جایگزین شدند. ۸۰ نفر از شرکت‌کنندگان در گروه آزمایشی در خلال جلسات آموزش زبان از آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بهره‌مند شدند، در حالی که ۶۰ نفر گروه کنترل چنین آموزشی دریافت نکردند. ابزار مورد استفاده تحقیق جهت گردآوری داده‌ها شامل آزمون درک مطلب خواندن و پرسشنامه راهبردهای یادگیری (SILL) بود که به‌صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس پردازش شدند. نتایج نشان داد که گروه آزمایشی پس از مداخله عملکرد بهتری نسبت به گروه کنترل در پس‌آزمون درک مطلب خواندن داشتند ($p < 0.05$). افزون بر این نتایج نشان داد شرکت‌کنندگان پس از پایان مداخله از راهبردهای فراشناختی، اجتماعی و جبرانی بیشتری در حین خواندن متون در مقایسه با قبل از شروع دوره آموزشی استفاده می‌کردند. در مجموع یافته‌های مطالعه حاضر و همخوانی آن با نتایج پژوهش‌های پیشین نشان داد که آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی نقش مهمی در افزایش توانایی خواندن و درک مطلب و نوع راهبردهای مورد استفاده توسط زبان‌آموزان بازی می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، حرکت به‌سوی آموزش مبتنی بر تفکر و بهره‌مندی از فعالیت‌هایی در راستای آموزش و تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی در خلال کلاس‌های عادی آموزش زبان می‌تواند به دستاوردهای بهتری در زمینه فراگیری زبان منتهی گردد.

کلمات کلیدی: درک مطلب، راهبردهای یادگیری، آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی.

The Effectiveness of Critical Thinking Skill Training on Iranian EFL Learners' Reading Comprehension and Reading Strategy Use

Vahideh Sadat Vahedi¹ and Maliheh Ebrahimi²

¹ Department of English Language, Qaenat Branch, Islamic Azad University, Qaenat, Iran

² Torbat Heydariye Branch, Islamic Azad University, Iran

Abstract: The current study aimed to investigate the effect of critical thinking skill training on Iranian EFL learners' reading comprehension and reading strategy use. To this aim, 140 highly homogenous students were chosen and two groups shaped; one group was provided with critical thinking skill training, whereas the control group did not receive any training regarding critical thinking skills. Before and after the tutorial, a reading comprehension test and a reading strategy questionnaire were administered. The data were analyzed using ANCOVA. The results indicated that the experimental group outperformed their counterparts in the control group in the reading achievement posttest ($p < 0.05$). Furthermore, subjects in the experimental group used metacognitive, social and compensatory strategies more frequently after the treatment as compared to their usage of the same strategy types before starting out the tutorial. In sum, the current study revealed that critical thinking strategy training played an important role in enhancing learners' reading comprehension ability and also their reading strategy use. In other words, the introduction of elements of the constructivist pedagogy accompanied with specific strategies aimed at encouraging higher level thinking can lead to higher learning outcomes in the process of learning a second/foreign language.

Key words: Reading comprehension, Strategy use, Critical thinking skill training.

۱- مقدمه

نظام آموزشی در کشور ایران سالیان طولانی است که بر پایه انتقال منفعلانه دانش به یادگیرندگان استوار است. اما امروزه دولت همگام با تغییرات جهانی شروع به بازسازی و بهبود سیستم آموزشی پیشین و تبدیل آن به یک سیستم آموزشی جدید انعطاف‌پذیر و دموکراتیک کرده است. این تلاش‌ها در راستای بهبود سطح مهارت‌های فکری و با هدف آماده‌سازی افراد برای زندگی شخصی و حرفه‌ای انجام می‌گیرد. با وجود چنین تحولاتی در سیستم آموزشی ایران، مسأله تفکر انتقادی هنوز برای بسیاری از دانش‌آموزان و معلمان به‌ویژه در زمینه یادگیری زبان انگلیسی ناآشناست. ریشه این امر را می‌توان در عدم تمایل بسیاری از معلمان زبان به تغییر روش‌های تدریس سنتی و استفاده از شیوه‌های نوین تدریس بر مبنای تفکر انتقادی جستجو نمود [۱].

مهارت خواندن به‌عنوان یکی از ارکان مهم یادگیری زبان از این قاعده مستثنی نیست. تحقیقات اخیر نشان داده است که خواندن متون به‌عنوان یک فعالیت شناختی پیچیده برای عملکرد مناسب و کسب اطلاعات در جامعه معاصر ضروری است. بر اساس تعریف چاموت [۲] مهارت خواندن به فرآیند مبادله اطلاعات از فردی به فرد دیگر اطلاق می‌گردد که در طی آن فرد از طریق فعال‌نمودن دانش پیش‌زمینه و مهارت‌های زبانی اطلاعاتی را کسب می‌نماید. در نتیجه خواندن فرآیندی تعاملی و پویا است که هم خواننده و هم‌متن در آنچه آموخته می‌شود سهیم هستند. در این راستا درک مطلب به‌عنوان هدف اصلی خواندن محسوب گردیده و به فرآیندی فراتر از رمزگشایی علایم و ساختارهای زبانی اشاره دارد. بر اساس دیدگاه اسنو [۳] درک مطلب شامل دو مدل ذهنی می‌باشد: (۱) مدل ذهنی مبتنی بر متن که به بازنمایی ذهنی گفتمان موجود در متن محدود می‌شود و صرفاً به استخراج معانی کلمات و جملات پی‌درپی اشاره دارد، و (۲) مدل ذهنی مبتنی بر موقعیت که از فهم معنی ساختارهای زبانی موجود در متن فراتر رفته و شامل استنتاج‌هایی می‌شود که دانش پیش‌زمینه را با اطلاعات موجود در متن ادغام می‌نماید. بر اساس چنین مدلی، درک مطلب به فهم متون، تفسیر و استنتاج اطلاق

می‌گردد که شامل فرآیند پیچیده ایجاد ارتباط بین متن و ذهن خواننده، به‌کارگیری راهبردهای مختلف در حین خواندن، فهم کلمات و نکات گرامری و سایر مهارت‌های خواندن و درک مطلب می‌گردد. در نظام آموزشی کنونی، اگرچه تأکید ویژه‌ای بر ارتقای سطح مهارت خواندن در فراگیری زبان خارجی در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی وجود دارد، اما زبان‌آموزان به درک سطحی از متون بسنده کرده و قادر به نفوذ به لایه‌های عمیق معنا، ارزیابی ایده‌ها و از همه مهم‌تر رسیدن به درک عمیقی از متون نیستند [۴].

بسیاری از متخصصان و محققان آموزش زبان انگلیسی بر این باورند که روش‌های کنونی آموزش مهارت خواندن و نیز محتوای کتاب‌های موجود بیشتر بر یادگیری کلمات تأکید داشته و برای داشتن درک عمیق زبان-آموزان از متن کافی نیست [۴]. بر اساس تحقیق انجام‌شده توسط جاودان و زینال [۵] تأکید اصلی در تدریس زبان انگلیسی در ایران بر ساختارهای دستوری، فراگیری کلمات و خواندن متن‌های کوتاه بوده که منجر به عملکرد ضعیف بسیاری از فراگیران در آزمون‌های خواندن و درک مطلب می‌شود. در این راستا آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی به‌عنوان یکی از ملزومات مهم مهارت خواندن به توانمندسازی فراگیران در جهت شناسایی، شفاف‌سازی، ارزیابی و حل مشکلاتی که در حین خواندن ممکن است با آن مواجه شوند کمک می‌کند [۶]. بر اساس تعریف جان دیویی [۷]، تفکر انتقادی به "تفکر فعال، مداوم، و در نظر گرفتن دقیق یک باور" اشاره دارد. با توجه به نظر او، مدل تفکر انتقادی دارای پنج مرحله (۱) پیشنهاد، (۲) تعریف مسئله، (۳) تولید فرضیه، (۴) استدلال و (۵) آزمون فرضیه می‌باشد. بر اساس نظر فاشیون و فاشیون [۸] مهارت‌های اصلی شناختی تفکر انتقادی شامل: تفسیر (به معنی درک و بیان معانی مربوط به تجربیات متنوع)، تحلیل (به معنی تشخیص هدف مطالب و پی بردن به ارتباطات موجود در بین آن‌ها)، ارزشیابی (به معنی تعیین اعتبار مطالب و ارزیابی نحوه ارتباطات بین آن‌ها)، استنباط (به معنی توانایی نتیجه‌گیری از مطالب)، توضیح (به معنی موجه-نمایی و بیان نتایج استدلال فرد)، و خودتنظیمی (به

تحلیل و استنتاج برای شکل دادن و ویرایش نمودن حالات ذهنی و دریافت و تولید پیام‌هایی در زبان مقصد استفاده می‌شود. استفاده از راهبردهای جبرانی مانند حدس زدن کلمات ناشناخته هنگام گو دادن و خواندن متون، به کار بردن تعریف و توضیح کلمه به جای خود کلمه در صحبت کردن و نوشتن برای غلبه بر هر شکافی که در دانش زبانی وجود دارد، ضروری به نظر می‌رسد. راهبردهای فراشناختی به فراگیران کمک می‌نماید تا کنترل اجرایی خود را از طریق برنامه‌ریزی، مرتب کردن، تمرکز و ارزیابی فرآیند یادگیری‌شان تمرین کنند. راهبردهای عاطفی به فراگیران کمک کرده تا احساسات، انگیزه‌ها و دیدگاه‌های مربوط به یادگیری زبان خود را کنترل نمایند. راهبردهای اجتماعی مانند سؤال پرسیدن و همکاری با دیگران، غالباً تعامل با افراد را در موقعیت‌های گفتاری آسان‌تر می‌نماید.

بر اساس پژوهش انجام شده توسط کربلایی [۱۳] ادغام آموزش راهبردهای فراشناختی خواندن با کلاس‌های خواندن نقش مهمی را در افزایش آگاهی زبان‌آموزان از فرآیندهای ذهنی درگیر در حین فعالیت خواندن و نیز بهبود خواندن متفکرانه بازی می‌کند.

مطالعات متعددی به منظور بررسی اثر تفکر انتقادی بر درک مطلب خواندن، انجام شده است. فهیم، برجسته و واثقی [۱۴] مطالعه‌ای را به منظور بررسی رابطه بین توانایی تفکر انتقادی زبان‌آموزان و عملکرد آن‌ها در بخش خواندن آزمون تافل انجام دادند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین نمرات خواندن زبان آموزان و توانایی تفکر انتقادی آن‌ها وجود دارد.

کمالی و فهیم [۱۵] نیز تأثیر توانایی تفکر انتقادی را بر درک مطلب خواندن دانش‌آموزان مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که سطح توانایی تفکر انتقادی زبان‌آموزان اثر قابل توجهی بر عملکرد خواندن آن‌ها داشته است.

جودیری [۱۶] مطالعه‌ای را در مورد رابطه بین تفکر انتقادی و سطح مهارت نوشتاری زبان آموزان انجام داد. نتیجه مطالعه فوق بیانگر این بود که همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سطح تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری زبان آموزان وجود دارد.

معنی اصلاح و بازبینی تفکرات خود بر اساس مطالب مورد بررسی است.

به علاوه زبان‌آموزان در حین خواندن متون معمولاً از راهبردهایی برای فراگیری، به خاطر سپردن و بازیابی مؤثرتر اطلاعات استفاده می‌کنند. راهبردهای یادگیری به طور گسترده به عنوان تکنیک‌ها یا روش‌هایی معرفی شده‌اند که دانش‌آموزان اغلب برای بهبود پیشرفتشان در یادگیری مهارت‌های زبان دوم مورد استفاده قرار می‌دهند [۹]. آکسفورد [۱۰] نیز راهبردهای یادگیری را به عنوان عملکردهایی توصیف می‌کند که استفاده از آن‌ها از سوی دانش‌آموز فرآیند یادگیری را آسان‌تر، سریع‌تر، لذت‌بخش‌تر، و مؤثرتر ساخته به طوری که انتقال یادگیری را به موقعیت‌های جدید ممکن می‌سازد. در خصوص طبقه‌بندی مهارت‌های یادگیری تاکنون متخصصان چندین طبقه‌بندی مطرح کرده‌اند. املی و چاموت [۱۱] راهبردهای یادگیری را به سه دسته فراشناختی، شناختی و عاطفی-اجتماعی طبقه‌بندی کردند. بر اساس نظر استرن [۱۲]، راهبردهای یادگیری زبان شامل راهبردهای شناختی، میان فردی، عاطفی، مدیریتی و ارتباطی می‌گردد. آکسفورد [۱۰] طبقه‌بندی از راهبردهای زبانی ارائه نموده است که نسبت به مدل‌های پیشین جامع‌تر به نظر می‌رسد. از این رو مطالعه حاضر از مدل آکسفورد به عنوان مبنای طبقه‌بندی راهبردهای یادگیری زبان استفاده می‌کند. بر مبنای طبقه‌بندی وی، راهبردهای زبانی به دو دسته کلی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم‌بندی می‌شوند.

راهبردهای مستقیم که با یادگیری مستقیم و استفاده از زبان جدید درگیر است و به سه زیرگروه راهبردهای حافظه‌ای، شناختی و جبرانی تقسیم می‌شود و راهبردهای غیرمستقیم که خود به سه زیرگروه دیگر با عناوین راهبردهای فراشناختی، عاطفی و اجتماعی تقسیم‌شده و به طور غیرمستقیم در یادگیری موثر می‌باشند. از نظر آکسفورد [۱۰] راهبردهای حافظه‌ای مانند ایجاد ارتباط‌های ذهنی و به کار بردن اعمال ذهنی خاص سبب تسهیل در ورود اطلاعات به حافظه طولانی‌مدت و بازیابی اطلاعات در هنگام لزوم جهت ایجاد ارتباط می‌باشند. از راهبردهای شناختی مانند

دوچندان می‌نماید استفاده کاربردی مدرسان زبان از یافته‌های تحقیق فوق برای گنجاندن مهارت‌های تفکر انتقادی در چارچوب برنامه‌های آموزش زبان می‌باشد. هدف مطالعه حاضر آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و بررسی میزان اثربخشی آن بر عملکرد شرکت‌کنندگان در آزمون خواندن و درک مطلب می‌باشد. همچنین بررسی تغییرات احتمالی که آموزش‌های مهارت تفکر انتقادی ممکن است بر استفاده زبان‌آموزان از راهبردهای یادگیری داشته باشد از دیگر اهداف این مطالعه می‌باشد. در مجموع بر اساس اهداف تحقیق و آنچه از نظر پژوهشی و نظری مرور گردید پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مسأله است که آیا آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر بهبود سطح درک مطلب و نوع راهبردهای یادگیری مورد استفاده توسط زبان‌آموزان اثربخش است؟

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر یک تحقیق شبه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه آزمایشی و گروه کنترل است و در دسته تحقیقات کاربردی جای می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۱۴۰ دانشجوی زن و مرد دوره کارشناسی است که بر اساس نمراتشان در بخش خواندن و درک مطلب آزمون تافل (۲۰۱۳) از میان ۱۸۶ داوطلب انتخاب شدند. محدوده سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۸ تا ۲۴ سال بود. پس از انتخاب شرکت‌کنندگان مورد نظر، آن‌ها به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل جایگزین شدند. ابزارهای گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

الف) آزمون مهارت خواندن

به‌منظور تعیین سطح مهارت خواندن شرکت‌کنندگان، بخش خواندن آزمون تافل (۲۰۱۳) به‌عنوان یک آزمون استاندارد مورد استفاده قرار گرفت. هدف از استفاده از این آزمون انتخاب زبان‌آموزان بسیار همگن با توجه به سطح مهارت خواندن آن‌ها بود.

ب) پرسشنامه راهبردهای یادگیری (SILL)

به‌منظور بررسی راهبردهای یادگیری مورد استفاده توسط شرکت‌کنندگان قبل و بعد از اجرای برنامه آموزش

نتایج پژوهش اقتداری [۱۷] که بر روی ۲۰۰ فراگیر زبان انگلیسی انجام شد نشان داد که فراگیران با سطوح بالاتر تفکر انتقادی عملکرد بهتری نسبت به هم‌تایان خود با سطوح پایین‌تر تفکر انتقادی در آزمون خواندن و درک مطلب داشتند.

میرزایی [۱۸] در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و سطح فراگیری واژگان خارجی توسط فراگیران زبان انگلیسی پرداخت. نتایج مطالعه وی نشان داد که بهبود سطح تفکر انتقادی زبان‌آموزان تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای برافزایش سطح فراگیری لغات فراگیران گذاشته است.

نیکوپور، امینی فارسانی و نصیری [۱۹] در پژوهشی به بررسی ارتباط بین تفکر انتقادی و راهبردهای یادگیری زبان که توسط زبان‌آموزان ایرانی استفاده می‌شد پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که همبستگی قوی بین تفکر انتقادی و استفاده از راهبردهای شناختی و اجتماعی در حین فعالیت خواندن وجود دارد.

در مجموع گرچه پژوهش‌های انجام‌شده پیشین عمدتاً به بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و بهبود مهارت‌های زبانی از یک‌سو و راهبردهای یادگیری زبان از سوی دیگر پرداخته‌اند، اما یکی از نارسایی‌های اصلی این مطالعات عدم توجه به رابطه هم‌زمان این متغیرها در قالب یک مطالعه جامع می‌باشد. پژوهش حاضر از این جهت نوپاست که بر روی تعیین میزان اثربخشی آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی به‌طور هم‌زمان بر سطح درک مطلب و راهبردهای مورد استفاده توسط دانشجویان در حین خواندن متون متمرکز می‌شود و همین زاویه نگاه این پژوهش را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد.

انجام پژوهش حاضر از این نقطه نظر ضروری و بااهمیت به نظر می‌رسد که می‌تواند کمک شایانی به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان عرصه آموزش زبان نموده تا به درک عمیق‌تری از میزان کارایی آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی در راستای بهبود سطح یادگیری فراگیران زبان برسند. افزون بر این طراحان برنامه‌های درسی و کتب آموزشی می‌توانند از نتایج تحقیق حاضر به‌منظور طراحی مواد آموزشی با رویکرد تفکر انتقادی بهره‌جویند. آنچه اهمیت پژوهش حاضر را

آموزشی اجرا گردید تا بتوان در پایان اجرای برنامه فوق مشخص نمود که تفاوت‌های احتمالی به دلیل تأثیر مداخله آموزشی یا سطح دانش اولیه شرکت‌کنندگان بوده است. موضوع جلسات آموزشی در قالب کلاس‌های عادی زبان عمومی دانشگاه که شامل ۱۶ جلسه نود دقیقه‌ای بود تنظیم گردید. لازم به یادآوری است که هر دو گروه آزمایشی و کنترل توسط یک مدرس آموزش دیدند تا تأثیر احتمالی ویژگی‌های فردی یا روش تدریس معلم بر نتایج نهایی منتفی گردد. سپس مداخله آزمایشی (آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی) بر روی دانشجویان گروه آزمایشی انجام گرفت. ساختار کلی جلسات آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر مبنای آموزش و تمرین شش مولفه اساسی تفکر انتقادی شامل مهارت تفسیر، استنتاج، تجزیه و تحلیل، استدلال، ارزشیابی و خودتنظیمی [۲۰] متمرکز بود. بعد از اتمام مداخله، آزمون خواندن و درک مطلب برای هر دو گروه (آزمایشی و کنترل) اجرا گردید. نتایج حاصل از این آزمون پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل پاسخ برخی از سؤالات مطرح شده در این پژوهش را فراهم کرد. به منظور بررسی راهبردهای یادگیری مورد استفاده شرکت‌کنندگان قبل و بعد از اجرای برنامه آموزشی از پرسشنامه راهبرد یادگیری (SILL) استفاده شد.

روش تحلیل داده‌ها

در مطالعه حاضر، آموزش مهارت تفکر انتقادی به عنوان متغیر مستقل و نمرات آزمون خواندن از یک سو و راهبردهای یادگیری مورد استفاده توسط شرکت‌کنندگان از سوی دیگر، به عنوان دو متغیر وابسته در نظر گرفته شدند. با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS (20) انجام گرفت. از آنجایی که مناسب‌ترین ابزار در تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از اجرای طرح پیش-آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل تحلیل کوواریانس می‌باشد، به منظور پردازش و بررسی داده‌های این تحقیق نیز از تحلیل کوواریانس استفاده شد. در پژوهش حاضر به آزمون معناداری بسنده نگردید، زیرا آزمون‌های معناداری هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره قدرت رابطه و یا

مهارت‌های تفکر انتقادی از پرسشنامه راهبرد یادگیری (SILL) که توسط آکسفورد [۱۰] ارائه گردیده استفاده شد. این پرسشنامه به زبان‌های زیادی از جمله فارسی ترجمه شده است و نسخه فارسی آن دارای ضریب پایایی ۰/۸۸ می‌باشد. به علاوه آکسفورد [۱۰] اعلام نمود این پرسشنامه از اعتبار محتوای متناسب با قضاوت داوران متخصص برخوردار است. بنابراین از اعتبار صوری قابل قبولی نیز برخوردار است. این پرسشنامه شامل شش سازه راهبردهای یادگیری است که برای هر کدام ۶ تا ۱۲ سؤال در نظر گرفته شده است و مجموعاً از ۵۰ سؤال تشکیل می‌شود. با کمک این پرسشنامه میزان استفاده از راهبردهای یادگیری حافظه‌ای شناختی، فراشناختی، جبرانی، عاطفی، و اجتماعی شرکت‌کنندگان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

ج) آزمون خواندن و درک مفاهیم

در این مطالعه از یک آزمون خواندن و درک مفاهیم محقق ساخته شامل ۴۰ سؤال چهارگزینه‌ای در قالب پنج متن استفاده گردید. این آزمون ابتدا به صورت پیش‌آزمون جهت سنجش سطح دانش اولیه شرکت‌کنندگان قبل از شروع برنامه آموزشی اجرا شد و سپس برای بار دوم به عنوان پس‌آزمون جهت ارزیابی نتایج حاصل از اجرای برنامه آموزشی فوق مورد استفاده قرار گرفت. پایایی این آزمون پس از اجرای آزمایشی بین ۳۵ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی به وسیله ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۱ محاسبه شد.

روش اجرا

در مطالعه حاضر، داده‌ها طی مراحل مختلفی جمع‌آوری گردیدند. در شروع این مطالعه، ۱۴۰ شرکت‌کننده متجانس بر اساس نمراتشان در بخش خواندن و درک مطلب آزمون تافل (۲۰۱۳) انتخاب شدند. سپس شرکت‌کنندگان به دو گروه تقسیم شدند: یک گروه آزمایشی که در جریان برنامه عادی آموزش مهارت خواندن از آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی نیز بهره‌مند می‌شدند، و یک گروه کنترل که هیچ آموزشی در خصوص مهارت‌های تفکر انتقادی دریافت نمی‌کردند. به علاوه آزمون خواندن و درک مطلب پیش از شروع برنامه

اندازه اثر متغیر مورد نظر پژوهشگر ارایه نمی‌کنند. در این رابطه به منظور فراهم آوردن اطلاعات دقیق‌تری از میزان تأثیر یک متغیر مستقل بر متغیر وابسته، اندازه اثر مربوطه نیز محاسبه و گزارش گردیده است.

۳- نتایج و بحث

فرضیه اول پژوهش: آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر بهبود درک مطلب خواندن زبان آموزان اثرگذار است.

به منظور تأیید یا رد فرضیه مطرح‌شده از تحلیل کوواریانس استفاده گردید. جدول ۱ بیانگر آمار توصیفی می‌باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی نتایج نمرات درک مطلب گروه آزمایشی و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
پیش‌آزمون	۸۰	۱۳/۵۶	۱/۰۵	۱۱	۱۷
	۸۰	۱۷/۶۸	۱/۸۷	۱۳	۱۹
پس‌آزمون	۶۰	۱۳/۲۳	۱/۳۰	۸	۱۵
	۶۰	۱۴/۵۵	۲/۲۳	۹	۱۷

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات درک مطلب گروه‌های آزمایشی و کنترل در پیش‌آزمون به یکدیگر خیلی نزدیک و تقریباً مشابه است. اما در پایان دوره و پس از اتمام مداخله آموزشی، تفاوت قابل توجهی بین میانگین نمرات دو گروه در پس‌آزمون مشاهده می‌گردد. با توجه به جدول فوق، میانگین نمرات خواندن گروه آزمایشی ۱۷/۶۷ و میانگین نمرات گروه کنترل ۱۴/۵۵ می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که بعد از اتمام آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی به هر دو گروه، فراگیران در گروه آزمایشی بهتر از همتایان خود در گروه کنترل در آزمون خواندن و درک مطلب عمل کرده‌اند.

باین حال به منظور بررسی این که آیا تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه از لحاظ آماری معنی‌دار است یا نه، از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد. اما ابتدا پیش‌فرض‌های مربوط به تحلیل کوواریانس بررسی گردید. نتیجه آزمون کولموگراف-اسمیرنوف نشان داد که

همه متغیرها از توزیع نرمال برخوردارند. همچنین نتیجه آزمون لوین جهت بررسی همسانی واریانس‌ها نشان داد که تجانس واریانس‌های دو گروه در سطح اطمینان ۹۵ درصد برقرار است. لذا با توجه به برقرار بودن مفروضه‌های تحلیل کوواریانس، از این آزمون جهت تحلیل داده‌ها استفاده گردید که خلاصه نتایج آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تأثیر آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر درک مطلب فراگیران پس از تعدیل پیش‌آزمون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری
پیش‌آزمون خواندن	۵۴۳/۳۲	۱	۵۴۳/۳۲	۱۰/۷۶	۰/۰۰۱
گروه	۱۴/۹۶	۱	۱۴/۹۶	۲/۴۵	۰/۰۰۰
خطا	۴۰۸/۳۶	۱۳۸	۱۴/۱۷		

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود زمانی که اثر پس‌آزمون نمرات خواندن و درک مطلب از روی نتایج پس‌آزمون مربوط به گروه‌ها حذف شود، تفاوت بین گروه‌ها در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرضیه اول پیشنهادی تحقیق پذیرفته می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی تأثیر معنی‌داری بر بهبود عملکرد فراگیران در آزمون خواندن و درک مطلب داشته است. افزون بر این، اندازه اثر به دست آمده برای متغیرهای فوق ۰/۹۸ برآورد گردید. تفسیر اندازه اثر به دست آمده در پژوهش حاضر بر اساس مدل کوهن [۱۹] بسیار زیاد می‌باشد. در نتیجه آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی می‌تواند تا حد بسیار زیادی به بهبود سطح درک مطلب فراگیران کمک نماید.

فرضیه دوم پژوهش: آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر نوع راهبردهای یادگیری مورد استفاده توسط زبان آموزان اثرگذار است.

به منظور بررسی فرضیه دوم پژوهش، پرسشنامه راهبرد خواندن (SILL) قبل و پس از اتمام برنامه آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی اجرا گردید که نتایج آن در جدول (۳) ارائه گردیده است.

تعیین میزان اثربخشی آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر ...

برای راهبردهای فراشناختی، اجتماعی و جبرانی در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تأثیر آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر نوع راهبردهای یادگیری مورد استفاده توسط فراگیران پس از تعدیل پیش‌آزمون

مقیاس	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مقدار F	سطح معنی داری
شناختی	گروه	۴۰/۸۶	۱	۲/۵۶	۰/۰۸۵
فراشناختی	گروه	۶۷/۶۵	۱	۱/۳۲	۰/۰۰۲
حافظه	گروه	۹۷/۷۶	۱	۰/۸۷	۰/۰۹۵
اجتماعی	گروه	۴۷/۷۰	۱	۲/۲۳	۰/۰۲۵
جبرانی	گروه	۹۶/۹۸	۱	۱/۶۷	۰/۰۰۰
عاطفی	گروه	۸۷/۲۲	۱	۲/۸۹	۰/۰۷۹

به‌عبارت دیگر، نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان پس از فراگیری مهارت‌های تفکر انتقادی به طرز چشم‌گیر و معناداری بیشتر از راهبردهای فراشناختی، اجتماعی و جبرانی در ضمن خواندن متون سود جست‌اند. اندازه اثر به‌دست‌آمده برای راهبرد فراشناختی برابر ۰/۸۷، راهبرد اجتماعی ۰/۵۶، و راهبرد جبرانی ۰/۳۶ می‌باشد. تفسیر اندازه اثرهای به‌دست‌آمده بر اساس مدل کوهن برای راهبرد فراشناختی زیاد، راهبرد اجتماعی متوسط و راهبرد جبرانی کم می‌باشد که به میزان اندازه اثر آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر استفاده از راهبردهای فوق اشاره دارد.

۴- بحث

مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان اثربخشی برنامه آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر سطح خواندن و درک مطلب فراگیران و نیز ارزیابی نوع راهبردهای مورد استفاده توسط شرکت‌کنندگان قبل و بعد از اجرای برنامه آموزشی فوق اجرا گردید.

یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که بین عملکرد دو گروه آزمایشی و کنترل تفاوت آماری معنی‌داری در زمینه مهارت خواندن پس از اتمام برنامه آموزشی وجود دارد.

در تبیین این مسأله می‌توان به این نکته اشاره نمود که استنباط، تجزیه و تحلیل و ارزیابی که به‌عنوان ارکان

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار راهبردهای چندگانه خواندن مورد استفاده توسط شرکت‌کنندگان در گروه‌های آزمایشی و کنترل

نوع راهبرد	گروه	زمان بررسی	میانگین	انحراف معیار
شناختی	آزمایشی	پیش آزمون	۳/۲۴	۱/۵۷
	کنترل	پس آزمون	۴/۰۳	۱/۰۹
فراشناختی	آزمایشی	پیش آزمون	۳/۴۷	۱/۹۷
	کنترل	پس آزمون	۳/۰۹	۳/۷۸
حافظه	آزمایشی	پیش آزمون	۳/۰۶	۲/۳۴
	کنترل	پس آزمون	۴/۸۹	۱/۱۲
اجتماعی	آزمایشی	پیش آزمون	۳/۷۷	۲/۰۶
	کنترل	پس آزمون	۲/۹۱	۱/۶۵
جبرانی	آزمایشی	پیش آزمون	۱/۳۹	۱/۲۳
	کنترل	پس آزمون	۱/۴۵	۱/۱۱
عاطفی	آزمایشی	پیش آزمون	۲/۶۹	۱/۲۳
	کنترل	پس آزمون	۴/۸۷	۲/۳۴
شناختی	آزمایشی	پیش آزمون	۲/۷۶	۱/۱۹
	کنترل	پس آزمون	۳/۰۴	۲/۰۹
فراشناختی	آزمایشی	پیش آزمون	۲/۶۲	۳/۵۶
	کنترل	پس آزمون	۴/۸۸	۲/۶۷
حافظه	آزمایشی	پیش آزمون	۲/۲۵	۱/۸۹
	کنترل	پس آزمون	۲/۷۸	۳/۸۳
اجتماعی	آزمایشی	پیش آزمون	۱/۱۱	۱/۲۱
	کنترل	پس آزمون	۱/۷۳	۱/۹۸
جبرانی	آزمایشی	پیش آزمون	۱/۳۳	۲/۹۹
	کنترل	پس آزمون	۱/۲۲	۱/۱۰

به جهت مشخص شدن اثر آموزش تفکر انتقادی بر رفتار راهبردی فراگیران حین خواندن از آزمون تحلیل کوواریانس برای هر راهبرد استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴) ارائه گردیده است. با این حال ابتدا پیش‌فرض‌های مربوط به تحلیل کوواریانس بررسی گردید. نتیجه آزمون کولموگراف-اسمیرنوف نشان داد که همه متغیرها از توزیع نرمال برخوردارند. همچنین نتیجه آزمون لوین جهت بررسی همسانی واریانس‌ها نشان داد که تجانس واریانس‌های دو گروه در سطح اطمینان ۹۵ درصد برقرار است. لذا با توجه به برقرار بودن مفروضه‌های تحلیل کوواریانس، از این آزمون جهت تحلیل داده‌ها استفاده گردید که خلاصه نتایج آن در جدول (۴) نشان داده شده است.

نتایج تحلیل‌های مربوط به فرضیه دوم حاکی از این است که زمانی که اثر پیش‌آزمون از روی نتایج پس‌آزمون مربوط به گروه‌ها حذف شود، تفاوت بین گروه‌ها فقط

پیوسته نتایج یادگیری مربوط باشد. افزون بر این، زبان-آموزان به خوبی دریافته‌اند که برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی محتوای متون که جزء لاینفک تفکر انتقادی محسوب می‌گردد، می‌توانند از راهبردهای اجتماعی و جبرانی بهره ببرند و به همین دلیل بیشتر مایل‌اند از این راهبردها در حین خواندن متون استفاده نمایند. این یافته با نتایج تحقیق نیکوپور و همکاران [۲۰] همسو می‌باشد. آنان دریافتند که بین تفکر انتقادی و استفاده از راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم یادگیری زبان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. طبق پژوهش آن‌ها افزایش سطح تفکر انتقادی در دانش‌آموزان بر استفاده آنان از راهبردهای شناختی، فراشناختی و اجتماعی تأثیر مثبتی دارد ولی بر کاربرد راهبردهای عاطفی، حافظه و جبرانی تأثیر چندانی ندارد. این یافته با نتایج مطالعات شنگ [۲۴]، لی و ونگ [۲۵] و ویلینگهام [۲۶] نیز همخوان می‌باشد. آنان همگی در مطالعاتشان به این نتیجه رسیدند که فراگیران پس از بهره‌مندی از آموزش‌های تفکر انتقادی بیشتر از راهبردهای فراشناختی، شناختی و اجتماعی استفاده می‌نمایند.

۵- نتیجه‌گیری

در مجموع یافته‌های مطالعه حاضر و همخوانی آن با نتایج پژوهش‌های پیشین نشان داد که آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی نقش مهمی در افزایش توانایی خواندن و درک مطلب و نوع راهبردهای مورد استفاده توسط زبان-آموزان بازی می‌کند. مطالعه حاضر مانند مطالعات دیگر محدودیت‌هایی نیز دارد که سبب می‌شود تفسیر و تعمیم نتایج با احتیاط صورت پذیرد. جامعه آماری این پژوهش صرفاً به زبان‌آموزان ایرانی در مقطع دانشگاهی محدود گردید. علاوه بر این، جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر فقط از طریق آزمون‌ها و پرسشنامه انجام گرفت. پیشنهاد می‌شود در آینده مطالعات جامع‌تری با ابزارهای پژوهش کیفی و نیز جامعه آماری بزرگ‌تر به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه بین متغیرهای مطرح‌شده صورت پذیرد. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر در بردارنده پیشنهادهایی برای مدرسان زبان در سطوح مختلف

اصلی تفکر انتقادی محسوب می‌گردد می‌تواند به زبان‌آموزان درک عمیق‌تری از مطالب داده و منجر به بهبود سطح درک مطلب و خواندن فراگیران گردد. به علاوه در توجیه این یافته می‌توان گفت که تفکر انتقادی و مهارت خواندن هر دو جزء توانایی‌های شناختی و ذهنی محسوب گردیده به طوری که افزایش قدرت تفکر انتقادی در افراد به آن‌ها توانایی تجزیه و تحلیل بیشتری بخشیده که سبب می‌شود به درک عمیق‌تری از متون دست یابند. این یافته با نتایج مطالعات فهیم و ساعی پور [۲۲]، فاسینو [۲۳] و کرلند [۲۱] همخوانی دارد. فهیم و ساعی پور [۲۲] در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر توانایی خواندن و همچنین اثر استفاده از بحث بر سطح تفکر انتقادی زبان‌آموزان پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که هر تلاشی از سوی زبان‌آموز نظیر همکاری در کلاس درس، شرکت در بحث و به اشتراک گذاشتن نظرات سهم قابل توجهی در بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی و فعال نمودن توانایی شناختی داشته که می‌تواند نهایتاً به بهبود سطح مهارت خواندن زبان‌آموزان منجر گردد. همچنین فاسینو [۲۳] در مطالعه خود اظهار داشت که بین تفکر انتقادی و سطح مهارت خواندن فراگیران همبستگی معنی‌داری وجود دارد. کرلند [۲۱] نیز در همین راستا معتقد بود که زبان‌آموزان برای خواندن انتقادی نیاز به تفکر انتقادی دارند. همسو با این تحقیقات، کمالی و فهیم [۱۵] ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان با سطح بالاتر تفکر انتقادی از عملکرد بهتری در آزمون مهارت خواندن و درک مطلب برخوردارند.

نتایج این مطالعه در خصوص بررسی راهبردهای یادگیری مورد استفاده توسط شرکت‌کنندگان قبل و بعد از اجرای برنامه آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی روشن ساخت که شرکت‌کنندگان در گروه آزمایشی از راهبردهای یادگیری فراشناختی، اجتماعی و جبرانی بیش از سایر راهبردها در مقایسه با گروه کنترل استفاده نموده‌اند.

در تبیین این مسأله می‌توان خاطر نشان نمود که گرایش بیشتر فراگیران به استفاده از راهبردهای فراشناختی پس از بهره‌مندی از آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی می‌تواند به تمایل آنان برای مدیریت یادگیری و نیز ارزیابی

- [7] Dewey, J., *How we think: Are statement of the relation of reflective thinking to th educational process*. D.C. Heath, Lexington, MA, (1933).
- [8] Facion PA, Facion NC. *The California critical thinking skills test: form A and form B test manual*. Millbrae, CA: California Academic Press; (1993).
- [9] Singhal, M., Reading proficiency, reading strategies, metacognitive awareness and L2 readers. *The Reading Matrix*, Vol. 1, No. 1., (2001).
- [10] Oxford, R. L., *Language learning strategies: What every teacher should know*. Boston: Heinle & Heinle, (1990).
- [11] O'Malley, J. M. & Chamot, A. U. *Learning Strategies in Second Language Acquisition*. Cambridge: Cambridge University Press, (1990).
- [12] Stern, H. H. *Issues and options in language teaching*. Oxford: OUP, (1992).
- [13] Karbalaee, Kamran, S., Effect of Gender on Ambiguity Tolerance of Iranian English language learners, *Journal of Education and Practice*, Vol. 2, No. 11&12, p. 25, (2011).
- [14] Fahim, M., Barjesteh, H. & Vaseghi, R., Effects of critical thinking strategy training on male/female EFL learners' reading comprehension, *English Language Teaching*, Vol. 5, No. 1, pp. 140-145, (2010).
- [15] Kamali, Z., & Fahim, M., The relationship between critical thinking ability of Iranian EFL learners and their resilience level facing unfamiliar vocabulary items in reaing. *Journal of Language Teaching and Research*, Vol. 2, No. 1, pp. 104-111, (2011).
- [16] Jodeiri Sh., *The Relationship between the Critical Thinking Ability and Writing Proficiency of Intermediate Iranian EFL Student*, Unpublished Master Thesis Islamic Azad University, North Tehran Branch, Iran, (2005).
- [17] Eghtedari M., *The impact of language proficiency Level on Critical thinking when Reading*, Unpublished Master Thesis, Islamic Azad University of Tehran, Iran (2002).
- [18] Mirzai Z., *the Relationship between Critical Thinking and Lexical Inferencing of Iranian EFL Learners*, Unpublished Master Thesis, Islamic Azad University of Science and Research Campus, Tehran, Iran, (2008).
- [19] Cohen, J. *Statistical power analysis for the behavioral sciences* (2nd ed.). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum, (1988).

دبیرستان، دانشگاه و غیره می‌باشد. در وهله نخست پیشنهاد می‌شود به کلاس‌های آموزش زبان از زاویه تفکر انتقادی توجه شود زیرا بدون شک چنین نگرشی می‌تواند نویدبخش تغییر چشم‌گیری در نظام آموزش زبان‌های خارجی باشد. به عبارت دیگر، حرکت به سوی آموزش مبتنی بر تفکر و بهره‌مندی از فعالیت‌هایی در راستای آموزش و تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی در خلال کلاس‌های عادی آموزش زبان می‌تواند به دستاوردهای بهتری در زمینه فراگیری زبان منتهی گردد. به علاوه، با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی در برنامه درسی دوره‌های تربیت معلم و ضمن خدمت گنجانده شود، زیرا نقش بسیار مهمی در سوق دادن معلمان برای حرکت به سمت آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی در کلاس‌های درس در آینده خواهد داشت. همچنین پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی درباره مهارت‌های تفکر انتقادی و نیز ارائه راهکارهای عملی برای استفاده از راهبردهای یادگیری برای دانش‌آموزان برگزار گردد.

منابع

- [1] Korotaeva, I., Metacognitive Strategies In Reading Comprehension Of Education Majors, *Education and Education Psychology*, Vol. 69, pp. 120-130, (2012).
- [2] Chamot, A. Issues in language learning strategy research and teaching, *Electronic Journal of Foreign Language Teaching*, Vol. 1, pp. 14-26, (2004).
- [3] Snow, C. *Reading for understanding: Towards a R&D program in reading comprehension*. Washington, DC: RAND Reading Study Group, (2002).
- [4] Kragler, S., Martin, L. E., & Walker, C. A., Strategy instruction in primary content textbooks, *The Reading Teacher*, Vol. 59, No. 3, pp. 254-261, (2005).
- [5] Javdan Faghat, Ladan & Zainal, Zaidah. Reading strategies of advance and intermediate Iranian students: a case study, *Education Press*, Vol. 3, No. 2, pp. 11- 21, (2010).
- [6] Waters, A., Thinking and language learning, *ELT Journal*, Vol. 60, No. 4, pp. 237-319, (2006).

- [20] Nikoopour, J., Amini Farsani, M., & Nasiri, M., On The relationship between critical thinking and language learning strategies among Iranian EFL learners, *Journal of Technology & Education*, Vol. 5, No. 3, pp. 16-23, (2011).
- [21] Kurland, D.J. , Critical reading vs. critical thinking, how language really works: *The fundamentals of critical reading and effective writing*, (2000).
- [22] Fahim, M., & Sa'eepour, M., The Impact of Teaching Critical Thinking Skills on Reading Comprehension of Iranian EFL Learners, *Journal of Language Teaching and Research*, Vol. 2, No. 4pp. 867-874, ,(2011).
- [23] Facione, P.A., *Critical thinking: A statement of expert consensus recommendation*. American Philosophical Association, (1990).
- [24] Shang, H. F., Exploring the relationship between EFL proficiency level and reading strategy use. *Journal of Language Teaching and Research*, Vol. 2, No. 1, pp. 18-27, (2011).
- [25] Li, Y., & Wang, Ch., An empirical study of reading self-efficacy and the use of reading strategies in Chinese EFL context, *Asian EFL Journal*, Vol. 12, pp. 144-161, (2010).
- [26] Willingham, D. T. Critical thinking: why is it hard to teach? *Arts Education Policy Review*, Vol. 109, No. 4, pp. 21-29, (2007).